

دار مجازات، پایانی بر یک همدستی خونین

تشریفات قانونی و طی مراحل مختلف از جمله وصول پاسخ استیذان رئیس قوه قضاییه و عدم حصول نتیجه از تلاش های صورت گرفته برای انجام مصالحه فی مابین، اجرا شد. به گزارش خبرنگار ما، سال ۱۳۹۵ پس از مرگ مردی در پی تصادف ساختگی، با توجه به مشکوک بودن حادثه بعد

مردی که پس از همدستی با یک زن و نقشه از پیش تعیین شده مردی را به قتل رسانده بود به دار مجازات آویخته شد. به گزارش خبرنگار ما و بر اساس اعلام دادگستری کل خراسان شمالی، حکم قصاص نفس فردی که در سال ۱۳۹۵ مبادرت به قتل یکی از همشهریان خود کرده بود پس از اجرای

خانواده ای گرفتار در باتلاق اعتیاد

فرار از اعتیاد برای کمک به مادر

صدیقی

به جای بازی کودکانه و مدرسه رفتن راهی کارگاه گلیم بافی و کار در خانه های مردم شد. به خاطر عشق به مادر نابینا و معلولش دور عشق و عاشقی را خط کشید و وظیفه تأمین هزینه های زندگی خانواده اش را به دوش گرفت.

با این که ۲۰ سال از بهار زندگی اش نمی گذرد اما چهره اش پاییزی شده است و چشمانش سوسو می زند. دختر محصل دیروز و بی پناه امروز درباره زندگی موریانه زده اش می گوید: از ۷ سالگی کار

می کنم چون چاره ای ندارم. پدرم معتاد بود و خرج زندگی مان را نمی داد. مادر هم کاری از دستش بر نمی آمد چون نابینا و معلول بود و تنها حامی اش من بودم. یک شیفت به مدرسه می رفتم و شیفت بعد کار می کردم؛ از گلیم بافی تا کار در خانه های مردم.

روزهای سخت و طاقت فرسا را پشت سر گذاشتم تا این که ۱۲ ساله بودم که دیگر شانه های نحیف و زخمی ام زیر بار مسئولیت خانه و کار سنگین تاب نیاوردند، برای همین به مواد پناه بردم تا مسکنی برای من باشد اما این آغاز بدبختی هایم بود. به ناچار کتاب و درس را کنار گذاشتم و ترک تحصیل کردم. چند سالی تن به هزار کار و مشقتی دادم تا زندگی مان سر پا بماند و از هم نباشد.

پدرم سرش به مواد و نشئه اش گرم بود و برادر هم پا جای پای پدرم گذاشته و به دنبال قاچاق مواد بود. این وضعیت ادامه داشت تا این که روزی



یک گوشی دست دوم که قیمت اش مناسب بود خریدم. بعد از گذشت مدتی از این ماجرا به خاطر گوشی سرقتی گیر افتادم و توانستم بی گناهی ام را ثابت کنم چون فروشنده گوشی یک رهگذر بود و نام و نشانی از او نداشتم.

به خاطر این جرم به حبس محکوم شدم. بدجوری در محومه گیر افتاده بودم و هیچ راه گریزی نداشتم. از یک طرف فکر تنهایی مادرم و از طرفی زندانی شدنم داشت مرا دیوانه می کرد تا این که بعد از یک ماه حبس کشیدن سارق اصلی گوشی پیدا شد و از زندان آزاد شدم.

در این گیر و دار، پدرم در یک تصادف فوت کرد. وقتی بعد از آزاد شدن از زندان پا در خانه مان گذاشتم انگار رنگ مرگ روی آن پاشیده بودند و از

در و دیوار آن فقر و بدبختی می بارید. از همه طرف محاصره شده بودم و خانواده، خواهر و برادر هایم هم به من نیش و کنایه می زدند و زبانم کوتاه بود. بعد از فوت پدرم برادر بی رحم و بی مسئولیت ما را فریب داد و با پول دیه پدرم یک خودروی سنگین خرید تا با آن تکانی به زندگی به گل نشسته مان بدهد اما بدتر ما را در گل فرو برد.

بعد از مدتی برادرم ورشکست شد و خودرو و دار و ندارش را به فنا داد و راهی زندان شد و زن و بچه اش هم وial گردن من شدند. هنوز این بحران تمام نشده بود که خواهرم از شوهرش طلاق گرفت و قوز بالای قوز شد. دوباره به خاطر فشار زندگی، سراغ مواد رفتم تا حداقل کمی ذهن و روانم آرام شود اما وضعیت ام بدتر شد. روزها در

یک رستوران کار می کردم و بدجوری اعصابم به هم ریخته بود.

بعد از این که برادرم از زندان آزاد شد فکر کردم از زیر بار خرج و مخارج زن و بچه اش خلاص می شوم اما خیالی باطل بود و برادرم زن و بچه اش را به حال خودشان رها کرد و ناپدید شد. خواهر بدهم یا خانه پدری مان را بفروشیم و به یک زخم مان بزنیم.

از فروش خانه و در به دری واهمه داشتم، برای همین مجبور بودم از صبح خروس خوان تا پاسی از شب کار کنم و دم نزنم.

از داخل تهی شده بودم و هیچ آمیدی به آینده نداشتم. مادرم هم یک روز از روی پله ها سر خورد و پایش شکست و بیشتر از گذشته در باتلاق فقر و نداری فرو رفتم. اصلا به فکر ازدواج نبودم چون معلوم نبود که از ازدواج چه بلایی سر مادرم می آمد.

مادرم تنها یار و همدم لحظه های تنهایی ام بود. مدام بر ایام اشک می ریخت اما کاری از دستش بر نمی آمد. کسی دلش به حال من نمی سوخت و بدهد اما بدتر ما را در گل فرو برد.

خواهر و برادر هایم داخل باتلاق مواد و اعتیاد دست و پا می زدند.

وقتی دیدم اعتیاد جز کارتن خوابی و مردن در بدبختی چیزی برایم به ارمغان نمی آورد خودم به کمپ آمدم تا دوباره از سیاهی اهریمن مواد رهایی پیدا کنم و برای مادر بی پناهم یاور و عصای دست روزهای آخر عمرش باشم.

در راهروی دادگاه خانواده

دادخواست طلاق در پی پنهان کاری

پاس کردن چک به بانک مراجعه کرد با حساب خالی رو به رو شد برای همین به شدت به همسرم اعتراض و او را متهم به فریبکاری کرد. شوهرم که از این ماجرا شوکه شده بود وقتی دنبال ماجرا را گرفت خیلی زود همه چیز آشکار شد.

بعد از این اتفاق بین من و همسرم جنگ شدیدی راه افتاد و رابطه مان شکراب شد. وقتی از پدرم خواستم پول قرض گرفته را پس بدهد به خاطر کسادی بازار توانایی انجام چنین کاری را نداشت. همسرم وقتی دید به خاطر پنهان کاری آبروی او را پیش مشتریانش برده ام و از طرفی پدرم هم قصد برگرداندن پول را به این زودی ها ندارد در کمال تعجب از من و پدرم شکایت کرد و در خواست طلاق داد.

بعد از شاکای شدن همسرم هر چه خواش و ابراز دنامت کردم تا کوتاه بیاید و مدتی وقت بدهد این رسوایی را جمع و جور کنم اما فایده ای نداشت. شوهرم اصرار بر طلاق داشت برای همین به دادگاه آمده ام تا ببینم سرنوشتم در پی ندانم کاری ام به کجا ختم خواهد شد.

خبر

چراغ والور منزلی را به آتش کشید

منزل و منازل همسایگان شدند. به گفته مجید خوش رفتار، معاون عملیات سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری بجنورد، در این منزل مسکونی پیرمردی زندگی می کند که هنگام خواب پتوهای منزل به دلیل مجاورت با چراغ والور دچار آتش سوزی شدند و به دلیل ناتوانی او در خاموش کردن آتش، اتاق یا وسایلش در آتش سوخت.

پیرمردی که چراغ والور را در کنار پتوهایش روشن کرده بود با آتش گرفتن آن ها، منزلیش به آتش کشیده شد. به گزارش خبرنگار ما و بر اساس اعلام سازمان آتش نشانی بجنورد، در پی اعلام آتش سوزی در یک واحد مسکونی در خیابان حر بجنورد، نیروهای آتش نشانی به محل حادثه اعزام و موفق به پیشگیری از سرایت آتش به دیگر نقاط

قالب دوربین



برخورد خودروی اداری پیکاپ متعلق به مدیریت توزیع برق اسفراین با موانع پروژه نیمه تمام سامان دهی مبادی ورودی اسفراین

مجهزترین کلینیک تخصصی تعمیرات



تعمیر انواع خودروهای ایرانی و خارجی

هیوندا TOYOTA تویوتا KIA کیا



دارای سه مجوز رسمی از اتحادیه خدمات خودرویی سازمان فنی و حرفه ای و کارشناسان خبره محلی

تعمیر انواع موتور و گیربکس های اتوماتیک در خراسان شمالی با ضمانت تعمیر انواع خودروهای جدید



تعمیرات جلوبندی و اکسل عقب تعمیر و شستشوی انژکتورها و سرویس جهت تنظیم موتور



مشاور، مجری و ارزیابی تشخیص و کیفیت فنی خودرو تعمیرات اساسی و کامل موتور با ضمانت سرویس

آدرس: خیابان امام خمینی _ ما بین چهارراه باسکول و چهارراه استقلال جنب آتش نشانی، نبش خیابان ایمان، داخل گاراژ مهدی مطرانلویی : ۰۹۱۵۱۸۴۹۴۵۱۰

صنایع سنگ پارسیان

با انواع سنگ های تراورتن، گرانیت، پله نمای ساختمانی، آنتیک، نرده سنگی و ...

با قیمت بسیار مناسب و بالاترین کیفیت آماده خدمت رسانی به همشهریان و سازندگان عزیز و ادارات می باشد

Industries stone PARSIAN

خرید ۴ میلیون به بالا اهدای کارت رایگان شهر بازی

شرایط فروش به صورت اقساط ۳ ماهه



آدرس: بجنورد، کمربندی مدرس، حاشیه پل ۱۹ مهر به سمت چهارراه دانش آموز

sepanta2570

تلفن موبایل: ۰۹۱۲۰۲۱۲۵۷۰

ston_sepanta

stone_parsian